دیپلماسی شهری، ابعاد و کارکردهای آن با تأکید بر ارتقاء امنیت ملی

سیدجهانگیر موسوی‌نسب[1]، حشمت محمدی‌فر[2]، مهدی محمدیان[3]

چکیده

دیپلماسی شهری بخشی از دیپلماسی عمومی کشورهای پیشرفته و مردم‌سالار است. در دیپلماسی شهری مدیران کلان‌شهرها در راستای استفاده از فرصت‌ها، توان ها و ظرفیت‌های بین‌المللی جهت توسعه وارد عرصه تعاملات میان شهری در مقیاس جهانی می‌شوند،امروزه مناسبات بین‌المللی میان کلان‌شهرهای کشورهای مختلف وارد عرصه تعاملات میان شهری حتی در موضوعات امنیت داخلی و پدافند غیر عامل نیز شده است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و داده‌ها و اطلاعات مود نیاز به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و مورد تحلیل قرارگرفته است. ازاین‌رو هدف پژوهش حاضر بررسی ابعاد مربوط به دیپلماسی شهری، تحلیل کارکردها (سیاسی، فرهنگی و ...) و فعالیت‌های متناظر با این کارکردها می‌باشد. نتایج پژوهش بیانگر آن می‌باشد که ابعاد دیپلماسی شهری در ۶ بخش اطلاعات و امنیت، توسعه، اقتصاد، فرهنگ، شبکه‌ها و نمایندگی قابل‌بررسی می‌باشد. همچنین در رابطه با ابعاد امنیت و نمایندگی رویکرد سیاسی، ابعاد اقتصاد و توسعه رویکرد اقتصادی و بعد فرهنگ، رویکردهای فرهنگی – سیاسی و در نهایت در رابطه با بعد شبکه‌ها رویکردهای سیاسی،

---

۱ . مدرس گروه جغرافیا دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)،

۲ . استادیار دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)،

۳ . مدرس دانشگاه آزاد واحد استان ایلام.

فرهنگی و اقتصادی و دیپلماسی اطلاعات و امنیت داخلی به کار گرفته می‌شوند. در نهایت فعالیت‌های متناظر مربوط به هر کدام از کارکردها مشخص شده است.

واژگان‌کلیدی: دیپلماسی شهری، ابعاد دیپلماسی شهری، امنیت ملی،کارکردهای دیپلماسی شهری.

مقدمه

شهرها به عنوان مکان‌هایی مطلوب برای فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، در عصر جدید و همگام با فرایندهای جهانی، نقشی نوین و انکارناپذیر را عهده‌دار شده‌اند که کیفیت ایفای این نقش به نوع سیاست‌ها و قوانین شهری و چگونگی اجرای آن‌ها توسط مدیران شهری بستگی دارد. این‌روند در سطح توسعه و نیز چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی شهرها بسیار تأثیرگذار است (ضرغام پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۲۷). درواقع بعد از نیمهٔ دوم قرن بیستم با شکل‌گیری جهانی‌شدن معاصر، مقیاس فعالیت شهرها از سطح محلی[۱]به سطح جهانی[۲]انتقال‌یافته است و پیرو آن، سیاست‌های محلی در معرض تأثیرات ناشی از فرایند جهانی‌شدن[۳]و مناسبات مختلف سیاسی و اقتصادی وابسته به آن قرارگرفته است. در حقیقت شهرها به عنوان دریچه‌ای برای بازسازی فضا و مکان توسط جهانی‌شدن محسوب می‌شوند و از همین روست که امروز ما با اصطلاح جهانی – محلی[۴]شدن مواجه هستیم. این بدان معناست که شهرها مکان‌های استراتژیکی[۵]هستند که در آن جهانی‌شدن با جریان‌های جهانی سرمایه، اطلاعات و افراد و از طریق شبکه‌های فراملی در این وضعیت جدید نقش‌آفرینی می‌کنند. دربارهٔ اهمیت این موضوع، اندیشمند جهانی ساسکیا ساسن بدین گونه استدلال می‌کند که شهر فضایی بسیار انضمامی و عینی‌تری برای اجرای سیاست‌های جهانی است تا یک کشور (Chan, 2016: 135).

---

۱. Local

۲.□□□□□□

۳.□□□□□□□□□□□□□

۴.□□□□□□□□□□□□□

۵ .Strategic Sites

بدین سبب شهرهای جهانی در حال حاضر گره اصلی نظام جهانی تولید، مبادله و توزیع ثروت هستند که بر توافقات سیاسی و اجتماعی و همچنین بر تولید دانش و قدرت تأثیر دارند. یکی از زمینه‌های فعالیت و نقش‌آفرینی شهرها درون سیستم جهانی‌شدن، مقولهٔ دیپلماسی شهری[1]است (قورچی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۳). توجه به موضوع دیپلماسی شهری را باید معلول جهانی‌شدن دانست چرا که این امر مهم باعث تغییر و تحول در ماهیت نظام بین‌الملل و مفهوم حاکمیت گردید (توحیدفام و دلیلی، ۱۳۹۵: ۳۰۴). بدین ترتیب در جامعه بین‌المللی دولت به تدریج جای خود را به جامعه بشری ملت‌ها می‌دهد و مفهوم و کارکرد حاکمیت تعدیل می‌شود و در پی آن مفهوم تابعیت که ناظر بر تکالیف افراد در مقابل دولت‌هاست جای خود را به مفهوم «شهروندی» که ناظر بر حقوق افراد نسبت به دولت‌هاست، سپرده است. در چارچوب نظم بین‌المللی جدید کنشگران متعدد و متنوعی در کنار دولت‌ها نقش ایفا می‌کنند؛ نهادها و سازمان‌های شهری، شهرداری، شوراهای شهر و ... از جمله بازیگران و کنشگران جدیدی هستند (امیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۶) که به عنوان نماینده مستقیم افکار عمومی و اراده مردم می‌توانند در بالاترین مقام اجتماعی آن شهر در بسیاری از حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، هنری، تحقیقاتی و حتی سیاسی با دیگر کشورها وارد مذاکرات همه‌جانبه شوند. بدون تردید ورود این بازیگران جدید در قالب دیپلماسی شهری در افزایش مناسبات دو جانبه کشورهای مختلف به ویژه کشورهایی که روابط ملت و دولت دارای تنش است تأثیرگذار است و نقش مهمی در بهبود و افزایش مناسبات سازنده‌ی اقتصادی، فرهنگی و هنری ایفا می‌نماید (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۵).

یکی از اولین اقدامات اولیه و اساسی جهت بررسی دیپلماسی شهری در سطوح مختلف بررسی نمودن ابعاد و کارکردهای مربوط به هر کدام از ابعاد دیپلماسی شهری می‌باشد. از این‌رو پژوهش حاضر در پی پاسخ دادن به این سؤال می‌باشد که؛ ابعاد مربوط به دیپلماسی شهری در چند بخش قابل‌بررسی هستند و کارکردهای اختصاصی مربوط به این ابعاد کدامند؟

۶.□□□□ □□□□□□□□□

مبانی نظری

دیپلماسی کاربرد هوشمندی و درایت برای انجام روابط رسمی بین حکومت‌های مستقل است که گاه به روابط آن‌ها با قلمروهای وابسته و بین حکومت‌ها و نهادهای بین‌المللی نیز تسری پیدا می‌کند و دیپلماسی شهری به مثابه ابزار حکومت‌های محلی و انجمن‌های وابسته تعریف می‌شود که در مواردی که حکومت‌های محلی دچار تنش و درگیری می‌شوند یا تمایل به تعامل بین‌المللی از نظر چالش‌های متقابل و فرصت‌های موجود دارند، به فراهم آمدن راه‌های همکاری‌های بین‌المللی شهر به شهر و زمینه‌های زیست‌محیطی صلح‌آمیز برای شهروندان خود از طریق مذاکره کمک می‌کند (Daroudi & Peimani, 2013: 716). دیپلماسی شهری همچنین راهکارهایی است که به وسیله آن، شهرها با هدف نشان دادن توانایی‌ها و علاقه‌مندی‌هایشان ارتباطات و تعهداتی را با دیگر بازیگران عرصه سیاست بین‌المللی اعم از مجامع و سازمان‌ها و شهرهای مختل، بر عهده می‌گیرند؛ نوعی از تمرکززدایی از ارتباطات بین‌المللی که شهرها بازیگران اصلی آن هستند (نجاتی حسینی، ۱۳۹۰: ۱۲۶). علاوه بر واژه دیپلماسی شهری، واژه‌های دیپلماسی شهر به شهر، دیپلماسی شهرداری و دیپلماسی شهروندی – دیپلماسی امنیت نیز به کار برده شده است تا نقش شهرها را در ایجاد بستر مناسب برای کسب وجهه بین‌المللی و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی به منصه ظهور رساند (Acuto, 2013: 20).

وجه مشترک تعاریف دیپلماسی شهری نشان می‌دهد که شهرها در سیاست جهانی و روابط بین‌الملل قابلیت جایگزین شدن برخی از نقش‌های دولت را دارند دیپلماسی شهری در واقع بخش اجرایی و عملیاتی دیپلماسی رسمی است که با نشان دادن توانایی‌ها و پتانسیل‌های شهری به موازات دیپلماسی عمومی و با به کار بردن آن در جهت توسعه اقتصادی فرهنگی و اجتماعی، شهرها در عرصه گسترش تکنولوژی و تبادل اطلاعات به افزایش وزن سیاست خارجی و کسب منافع ملی می‌انجامد (راموز و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۵).

بدیهی است، مهمترین بستر توسعه پایدار، تعامل و همکاری و تبادل نظر و تجربیات در برقراری امنیت و ایجاد بستر های قوی زیر ساختی در بحث اطلاعات و پدافند غیر عامل در دیپلماسی شهری می باشد .

روش تحقیق

این مقاله مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی بوده و روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات نیز به طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای است. در روش کتابخانه‌ای بیشتر بررسی اسناد و مدارک، مراجعه به کتب داخلی و خارجی مربوطه، نشریات و مطبوعات مقالات و مجلات و سایت‌های اینترنتی مورد تأکید قرارگرفته است. پس از گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات تجزیه و تحلیل آن‌ها به طور عمده از طریق توصیف و مبتنی بر تفکر منطق و استدلال صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

ابعاد دیپلماسی شهری و کاردهای متناظر با آن

برای کارکردهایی که دیپلماسی شهری می‌تواند در برداشته باشد، ۵ مورد عمده ذکر می‌گردد که عبارت‌اند از: تسهیل ارتباطات، جمع‌آوری اطلاعات، ممانعت از تعارض، مذاکره بر سر پیمان‌ها و قراردادهای فی‌مابین و نهایتاً تبدیل‌شدن به نمادی برای وجود جامعه بین‌الملل. برخی نیز برای دیپلماسی شهری سه کارکرد قایلند:

افزایش آگاهی: آگاهی بخشی در سطح محلی نسبت به مسائلی که در سطح ملی مطرح است و بهره‌گیری از پتانسیل‌های محلی برای حل آن مسائل.

فشار سیاسی: تبدیل منازعات شدید به بخشی از دستور کار سیاست خارجی و ایجاد رایزنی برای دستیابی به صلح پایدار

همکاری: حمایت از پروژه‌های مشارکتی میان شهرها و مبادله دانش و تأمین مالی پروژه-ها (Thonon, 2005: 66).

آگاهی بخشی و همکاری مقوله‌هایی هستند که از طریق گفتگو و دیگر اقدامات دولتی و یا حتی از طریق پروژه‌های توسعه‌ای به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم توسط بسیاری از شهرداری‌ها انجام گرفته‌اند. با این وجود، فشار سیاسی حتی با اینکه از پتانسیل بالایی برخوردار بوده، معمولاً از سوی شهرداری‌ها نادیده گرفته شده است. در بسیاری از مواقع وجود فشارهای سیاسی برای اثربخش نمودن پروژه‌های توسعه‌ای لازم بوده است. باید دقت نمود در عین حال که دیپلماسی شهری فرصت‌های گوناگونی را برای اقدام شهرها در حوزه

بین‌المللی فراهم می‌سازد، در عمل بسیاری از شهرها منحصراً به برخی از ابعاد دیپلماسی شهری می‌پردازند (رستگار، ۱۳۹۹: ۱۰). در ادامه ۶ بعد اصلی دیپلماسی شهری تشریح خواهد گردید (فرجی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶).

امنیت

پس از پایان جنگ سرد، حل تعارضات، تنش‌زدایی و ایجاد صلح پایدار در مباحث نظری و سیاسی از اهمیت برجسته‌ای برخوردار گشته و در کانون توجه قرار گرفتند. خاتمه موازنه قدرت میان شوروی و امریکا، پرسش‌های سیاسی – اجتماعی جدیدی را پیش روی کشورهای آفریقایی، اروپایی و آسیایی قرار داد. گرچه در ابتدا به نظر نمی‌رسد که شهرها وظیفه‌ای در قبال تنش‌زدایی داشته باشند، اما اکنون حل تعارض به بخش مهمی از دیپلماسی شهری تبدیل گردیده است. شاید بهترین دلیل برای مداخله شهرها در حل منازعات و مناقشه‌ها، آن است که ریشه بسیاری از این موارد و نیز قربانیان خشونت‌ها، جنبه محلی دارند. چون شهرها و حکومت‌های محلی از مؤلفه‌ها و مشخصه‌های حاکم بر حوزه خود بهتر از دیگران آگاهی دارند، قادر خواهند بود نقش مؤثری در کاهش منازعات ایفا کنند. علاوه بر آن چون شهرها و حکومت‌های محلی فاقد اختیار قانونی برای استفاده از نیروهای مسلح هستند، پس رویکرد آن‌ها به مناقشات و کشمکش‌ها شامل نظامی‌گری نیست. با اینکه به نظر می‌آید که محل بروز عقاید و آرای عمومی مردم درباره سیاست‌های خارجی، صندوق‌های رأیی باشد که رییس‌جمهور و اعضای سنا و کنگره از دل آن‌ها بیرون می‌آیند، اما مقامات محلی به‌صورت انفرادی و یا در قالب جمعی توانسته‌اند موقعیتی در این حوزه برای خود دست و پا کنند. حکومت‌های محلی به سبب نگرش آسیب‌شناختی خود به مسائل، نقشی خنثی‌تر را در حل مشکلات ناشی از منازعات بر عهده می‌گیرند که طبعاً بیشتر مورد قبول طرفین واقع می‌گردد (Pluijm, 2007: 20). از جمله مواردی که برای فعالیت‌های حکومت‌های محلی جهت جلوگیری از مناقشات می‌توان نام برد، جمع‌آوری امضا توسط سازمان شهرها برای صلح در امریکا است که به‌منظور جلوگیری از جنگ عراق انجام شد. گروه شهرداران برای صلح نیز در سال ۱۹۸۲ توسط شهرداری هیروشیما بنا نهاده

شد و هدفش جلوگیری از تکرار استفاده از سلاح‌های اتمی می‌باشد (http://www.mayorsforpeace.org/english/outlines/index.html).

توسعه

از گذشته های دور تامین بلند مدت بخشی از شاخص های امنیت ملی از طریق ایفای نقش حکومت‌های محلی در همکاری‌های توسعه‌ای همواره برجسته بوده است؛ بنابراین خیلی عجیب نیست که پروژه‌های مرتبط با همکاری‌های توسعه‌ای با فعالیت‌های اجتماعی حکومت‌های محلی ارتباط داشته باشند. با خاتمه جنگ جهانی دوم، تعداد زیادی از شهرهای مختلف در بخش‌های گوناگون دنیا اقدام به عقد خواهرخواندگی با شهرهای کشورهای غربی نمودند تا در همکاری‌های توسعه‌ای نقش مهمی را بر عهده گیرند. مهم‌ترین انگیزه برای پیشبرد دیپلماسی میان شهرها، اتحاد و یکپارچگی بین‌المللی است. ارزش‌افزوده همکاری‌های توسعه‌ای را در عرصه‌های محلی، بیشتر و بهتر می‌توان ملاحظه کرد. برخی مدعی‌اند که نقش حکومت مرکزی در ارتقای همکاری‌های توسعه‌ای بایستی تسهیل‌کننده باشد و نه قیم‌مآبانه. بدین‌سان نقش حکومت‌های محلی در همکاری‌های توسعه‌ای از منظر سیاست‌گذاران دستخوش تغییر می‌شود و آغاز فرایند توسعه از سطوح محلی خواهد بود و نتایج بهتری در پی خواهد داشت. چون حکومت‌های محلی بالاترین صلاحیت را در تشخیص و تعیین نیازهای محلی دارند، شهرها در حوزه همکاری‌های توسعه‌ای بدل به نقش‌آفرینان برجسته‌ای گشته‌اند. دیپلماسی شهری علاوه بر اینکه به دیپلماسی در چارچوب سیاسی اشاره دارد، با تکیه‌بر توسعه در پی فائق آمدن بر جدایی میان این دو است تا اثربخشی آن‌ها افزایش یابد (WBI, 2000: 43).

درک روبه رشد حکومت‌های مرکزی از نقش مهم شهرها در اجرای موفقیت‌آمیز همکاری‌های توسعه‌ای و نیز میل روزافزون حکومت‌های محلی به قرار دادن اولویت‌های توسعه‌ای خود در سیاست خارجی ملی، سبب هم‌افزایی بیشتر در همکاری‌های توسعه‌ای میان شهرها شده است. مشارکت مستقیم میان شهرها به آن‌ها اجازه خواهد داد تا فعالیت‌های خود را مستقل از سیاست‌های دولت مرکزی پیش برند و شهرداری‌ها و دیگر سازمان‌های محلی می‌توانند به نحو شایسته‌تری به نیازهای واقعی ساکنین پاسخ گویند.

اقتصاد

وجود منافع اقتصادی در کنار پیوند های مهم اجتماعی و فرهنگی و نقش آفرینی دیپلماسی همواره می تواند بستر امنیت اقتصادی را فراهم نماید .

منافع اقتصادی در سطح محلی را می‌توان مهم‌ترین عامل و نیروی پیش برنده دانست که پشت فعالیت‌های دیپلماتیک شهرها قرار دارد. در مورد برخی از شهرها می‌توان آن را تنها انگیزه موجود نامید. به نظر می‌رسد دو راه برای کسب اطمینان از کسب منافع برای شهرها وجود دارد. روش اول جذب توریست و سرمایه بین‌المللی و میزبانی رخدادهای مهم بین‌المللی است و راه دوم مبتنی بر صدور خدمات و دانش و یا اقدام به عقد معاهدات مشارکتی با دیگر شهرها است. فعالیت‌های جاذب از لحاظ اقتصادی از مهم‌ترین اهداف شهرها است و در بسیاری از شهرهای دنیا در کشورهای توسعه‌یافته دارای دفاتر اقتصادی ویژه‌ای هستند که وظیفه آن‌ها جذب سرمایه به شکل‌های مختلف به سوی شهر است. شهرهای جهانی پایتخت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان امروز به شمار می‌آیند. اقتصاد چنین شهرهایی می‌تواند به بزرگی اقتصاد برخی از کشورهای درحال‌توسعه باشد؛ بنابراین خیلی عجیب نیست که در این شهرها تمایل شدیدی برای جذب سرمایه از طریق جذب گردشگر و یا از طریق تأسیس دفاتر مرکزی بنگاه‌های چندملیتی، وجود داشته باشد. با این وجود شهرهای کوچک‌تری مثل لاهه در هلند به عنوان پایتخت «قانون و حقوق» در دنیا و دبی در امارات به عنوان یک دروازه بین‌المللی، توانسته‌اند تصویری مناسب از خود نشان داده و سرمایه خارجی را به سوی خود جلب نمایند. جنبه جالب توجه این بازی دیپلماتیک، به وجود آمدن مفهوم «برند شهری» است که به کاربرد مدل‌های بازاریابی کسب‌وکار برای شهرها اشاره می‌کند و شهرها به‌صورت برندهای مختلف معرفی می‌نماید.

یکی دیگر از اقداماتی که می‌تواند برای جذب سرمایه خارجی انجام گیرد، میزبانی مسابقات مهم بین‌المللی است. کسب میزبانی فرایندی دیپلماتیک است که با مذاکره، لابی و تأثیرگذاری بر دیگران گره خورده است و می‌تواند به خوبی بیانگر وجه اقتصادی دیپلماسی شهری باشد. پس از موفقیت لس‌آنجلس در المپیک ۱۹۸۴، نگاه شهرها به سازمان‌دهی رخدادهای بزرگ ورزشی به عنوان کسب وجهه و منزلت تغییریافته است و این رخدادها به شکل ابزاری برای تقویت جایگاه جهانی شهرها در عصر رقابت و تأمین مالی پروژه‌های

عمرانی و ساختمانیِ عظیم تلقی می‌گردند. مثلاً مقامات لندن امیدوار بودند که المپیک ۲۰۱۲ سبب ایجاد ۵۰۰۰۰ شغل جدید گشته و موجب احداث بیش از ۳۵۰۰۰ خانه جدید شود. انتظار می‌رفت درآمدی در حدود ۵۲۵ میلیون پوند عاید این شهر شود (Pluijm, 2007: ۲۶). نباید فراموش کرد که از دست دادن میزبانی رقابت‌هایی در این سطح، تبعات اقتصادی فراوانی به همراه خواهد داشت، پس طبیعی است که همه مقامات در سطوح ملی و محلی توان خود را به کار خواهند بست تا این امر محقق شود چرا که منافع حاصله برای کل اقتصاد کشور نیز قابل‌توجه خواهد بود.

صادرات خدمات و دانش به دیگر شهرها و عقد قراردادهای مشارکتی با آنان می‌تواند روش دیگری برای رشد اقتصادی باشد. عقد موافقت‌نامه‌های همکاری علاوه بر اینکه به مودت و دوستی میان شهرها منجر می‌شود، منجر به تقسیم تجارب متقابل و تبادل خدمات نیز می‌شود. کسب سود اقتصادی در این موافقت‌نامه‌ها به عنوان یک هدف جانبی در نظر گرفته شده است. در حقیقت کسب تجربه و آموختن از مسائلی که دیگر شهرها آن‌ها را حل نموده‌اند، هزینه‌های داخلی اداره شهر را کاهش خواهد داد و ابزاری در خدمت توسعه منابع انسانی به شمار می‌آید.

فرهنگ

همان‌طور که در عرصه سیاست‌های ملی و امنیت ملی ، فرهنگ عنصر مهمی تلقی می‌شود، در دیپلماسی شهری نیز فرهنگ موضوع مهمی است. فرهنگ می تواند عامل پیوند جوامع مختلف و سفیر صلح ، امنیت و رشد و توسعه پایدار باشد .در خلال جنگ سرد اهمیت فرهنگ به عنوان جزء مشترک میان مخاطبان خارج از کشور و ایدئولوژی‌های متخاصم شناخته گردید و دیپلماسی فرهنگی برای حفظ امنیت ملی از موقعیتی ممتاز برخوردار شد. مشخصاً در آن دوران پروژه‌های خواهرخواندگی که میان شهرهای اروپا، امریکا و شوروی سابق انجام می‌شد می‌توانست در قالب دیپلماسی فرهنگی تا حد قابل‌ملاحظه‌ای از احتمال وقوع جنگ‌های تمام‌عیار بکاهد. فرهنگ را می‌توان قلب استراتژی‌های شهری تصور کرد که شکل‌دهنده جامعه دانش‌محور، نوزایی شهری و

همبستگی اجتماعی است. تأکید بر تفاوت و نه برتری میان فرهنگ‌ها، نقطه آغازین مناسبی برای شروع دیپلماسی فرهنگی میان شهرها است.

شبکه‌ها

شبکه‌ای شدن از دیگر ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی شهری است و سازمان‌دهی شدن در سطوح محلی، ملی و جهانی هدفی در راستای حفظ منافع و امنیت قلمداد می‌گردد. در کشورهای توسعه‌یافته ایجاد ساختارهایی که دغدغه‌های محلی را به حکومت مرکزی منتقل کند امری تقریباً متداول است. بسیاری از کشورها دارای اتحادیه‌ها و تشکل‌های سازمان‌یافته شهرداری‌ها هستند که وظیفه نمایندگی و حفظ منافع شهرها در سراسر کشور را بر عهده می‌گیرند. بخش عمده‌ای از همکاری‌های میان شهرها، خارج از فعالیت‌های مربوط به خواهرخواندگی بوده و در چارچوب این شبکه‌ها صورت می‌گیرند. رفته‌رفته به نظر می‌رسد شبکه‌های بین‌المللی شهرها جای دولت‌ها را در سطوح مختلف دیپلماتیک می‌گیرند و شهرها عامل پیشبرد این تغییر هستند. از جمله این شبکه‌ها می‌توان به مگاسیتی و نشست‌های گروه M4 اشاره کرد که ۴ شهر بزرگ اروپا یعنی برلین، پاریس، مسکو و لندن در آن حضور دارند. در امریکای جنوبی هم می‌توان نمونه‌هایی از این شبکه‌ها را دید. این مشارکت‌های منطقه‌ای با هدف حفظ منافع شهرها در مناطق تحت نفوذ خود و تسهیم اطلاعات و تبادل تجربیات برای حل مشکلات مشابه در شهرهای مختلف به وجود آمده‌اند. مهم‌ترین این شبکه‌ها در سطح بین‌المللی، شهرها و حکومت‌های محلی متحد (UCLG) است که مجمع جهانی شهرداری‌ها به شمار می‌آید. تلاش UCLG بر آن است که موقعیتی رسمی در سازمان ملل متحد بیابد تا در راستای فعالیت‌ها و اقدامات سازمان ملل، بهتر در جهت حفظ منافع شهرها بپردازد. مسلماً کسب چنین موفقیتی به معنای به رسمیت شناخته شدن تأثیر شهرها در حوزه دیپلماسی و سیاست بین‌الملل است. بااین‌حال چنین به نظر می‌آید که شهرها به تازگی از قدرت خود در صحنه بین‌المللی آگاه شده‌اند. زمانی که ساختارهای مناسب (اطلاعاتی ، امنیتی ،اجتماعی ،فرهنگی ،اقتصادی ،سیاسی و...) برای همکاری‌های بین‌المللی به وجود آید، سازمان‌های بین‌المللی شهری به عنوان بازیگران عرصه دیپلماسی به رسمیت شناخته شده و مورد توجه قرار خواهند گرفت.

نمایندگی

تلاش شهر ها برای ایفای نقش های مهم و به نوعی نمایندگی موضوعات مختلف و متنوع همچون ایفای نقش فرهنگی ،تاریخی ویا ارائه خدمات تخصصی ویژه در کشور ما هم مثل سایر کشور ها روز به روز بیشتر می شود . به عنوان مثال می توان به نقش کلان شهر تهران در تمرکز سیاسی و خدمات و یا نقش های فرهنگی و تاریخی اصفهان ، مشهد ، قم وشیراز ... و یا حتی ایفای نقش هایی ورزشی ، توریسم پزشکی و ... اشاره نمود.

شاید برجسته‌ترین نمونه در بُعد نمایندگی در دیپلماسی شهری، نمایندگی شهرها در اتحادیه اروپا و کمیسیون اروپا باشد. در ساختارهای سیاسی، دیپلمات‌های شهری در فرایند سیاست‌گذاری مشارکت می‌کنند. در اتحادیه اروپا و کمیسیون اروپا بخش‌های مختلفی وجود دارند که شرح وظایف و تکالیف آن‌ها مستقیماً به حکومت‌های محلی و شهرها مربوط می‌شود. البته با توجه به ضعف نهادهای قانون‌گذاری در سطح اتحادیه اروپا این موارد چندان مهم نیستند. خارج از ساختار سیاسی شهرها تلاش می‌کنند تا از طریق لابی بر اتخاذ تصمیمات به سود خود پافشاری نمایند. مثلاً در زمان برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل، نمایندگان UCLG به رایزنی با مقامت کمیته اسکان بشر سازمان ملل متحد می‌پردازند. به‌هرحال در بُعد نمایندگی دیپلماسی شهری، تأکید بر مشارکت شهرها در فرایند قانون‌گذاری است که البته در کشورهای جهان سوم و کمتر توسعه‌یافته بسیار کمرنگ است. جدول شماره ۱ نشان‌دهنده ارتباط این ابعاد ۶ گانه با فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و نمونه‌هایی از آن‌ها را به دست می‌دهد.

جدول شماره ۱: ابعاد دیپلماسی شهری و کارکردها و فعالیت‌های متناظر با آن‌ها

ابعاد	امنیت	توسعه	اقتصاد	فرهنگ	شبکه‌ها	نمایندگی
کارکرد	سیاسی	اقتصادی	اقتصادی	فرهنگی- سیاسی	فرهنگی- سیاسی- اقتصادی	سیاسی

فعالیت‌ها ،خدمات ،پیوندها	اقدامات صلح طلبانه، دفاع از حقوق بشر	تبادل تجارب، اعطای وام، کمک‌ها ی آموزشی، کمک به حل بحران‌ها ی متقابل	عقد موافقت‌نامه‌ها ی تجاری، رایزنی برای کسب میزبانی مسابقات مختلف– توریسم پزشکی – توریسم زیارتی	خواهر خواندگی، مبادلات فرهنگی، برگزاری نمایشگاه‌ها – پیوندهای عمیق فرهنگی بین ملت ها	تشکیل سازمان‌های رسمی، ایجاد اتحادیه‌های منطقه‌ای. تبادل اطلاعات در تقویت زیر ساخت ها – تبادلات امنیتی و قضایی	ایجاد لابی و یا در اختیار گرفتن نمایندگی در ساختار سیاسی نمایندگی افکار عمومی و مطالبات شهر وندان

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی – تحلیلی و بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای در پی بررسی ابعاد مربوط به دیپلماسی شهری، رویکردهای متناظر با این ابعاد و فعالیت‌های که منجر به ارتقای کارایی این ابعاد در سطوح مختلفمی‌باشد، بوده است. از این‌رو و با توجه به نتایج پژوهش ابعاد مربوط به دیپلماسی شهری در ۶ سطح امنیت، توسعه، اقتصاد، فرهنگ، شبکه‌ها و نمایندگی قابل‌بررسی می‌باشند. هر کدام از این ۶ بعد دارای کارکردها و فعالیت‌های متناظر مربوط به خود هستند که باعث ارتقای و بهبود وضعیت این ابعاد شش‌گانه می‌شود. مهم‌ترین کارکرد مربوط به بعد امنیت کارکرد سیاسی، بعد توسعه کارکرد اقتصادی، بعد اقتصاد کارکرد اقتصادی، بعد فرهنگ کارکرد فرهنگی- سیاسی، بعد شبکه‌ها کارکرد اطلاعاتی -فرهنگی- سیاسی- اقتصادی و در نهایت بعد نمایندگی کارکرد سیاسی می‌باشد. همچنین مهم‌ترین فعالیت‌های مربوط به این ابعاد شش‌گانه بد این شرح می‌باشند:

امنیت: اقدامات صلح طلبانه، دفاع از حقوق بشر- همکاری و تبادل اطلاعات در بحث امنیت شهری و پدافند غیر عامل و مدیریت بحران در شهر ها

توسعه: تبادل تجارب، اعطای وام، کمک‌های آموزشی، کمک به حل بحران‌های متقابل ، همکاری های فنی و هوشمند

اقتصاد: عقد موافقت‌نامه‌های تجاری، رایزنی برای کسب میزبانی مسابقات مختلف ،توریسم پزشکی ،تبادل تجارب اقتصادی و...

فرهنگ: خواهرخواندگی، مبادلات فرهنگی، برگزاری نمایشگاه‌ها- پیوند های فرهنگی بین ملت ها – تامین شاخص های امنیت ملی در سایه امنیت منطقه ای

شبکه‌ها: تشکیل سازمان‌های رسمی، ایجاد اتحادیه‌های منطقه‌ای- تبادل تجارب در بحث امنیت شبکه ها و زیر ساخت ها

نمایندگی: ایجاد لابی و یا در اختیار گرفتن نمایندگی در ساختار سیاسی- تولید قدرت – تبادل اطلاعات – همکاری در پدافند غیر عامل - تامین شاخص های امنیت ملی در سایه امنیت منطقه ای

منابع

منابع فارسی

۱. امیری، مهسا، خلیلی، احمد، مفیدی شمیرانی، مجید. (۱۴۰۱). تبیین مفهوم شناختی و ارائه الگوی دیپلماسی شهری در شبکه‌های شهری. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۱۰ (۴)، ۱۵۸-۱۳۵.

۲. توحیدفام، محمد، دلیلی، شهاب. (۱۳۹۵). جهانی‌شدن شهرها و جهان محلی شدن دیپلماسی (مطالعهٔ موردی: دیپلماسی شهری)، فصلنامه سیاست. ۴۶ (۲)، ۳۰۳-۳۲۱.

۳. راموز، ادریس، مهربانی فر، حسین، افتخاری، فاطمه. (۱۴۰۱). واکاوی و طبقه‌بندی مسائل دیپلماسی شهری در مشهد الرضا (علیه‌السلام). جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، ۱۲ (۴۵)، ۱۰۷-۱۲۸.

۴. رستگار، سید حامد. (۱۳۹۹). دیپلماسی شهری راهی به سوی جهانی‌شدن، مطالعات جامع در مدیریت شهری، ۱ (۴)، ۱۵-۱.

۵. زرقانی، سیدهادی، رنجکش، محمدجواد، اسکندران، منصوره. (۱۳۹۳). دیپلماسی شهری، تحلیل نقش شهرها به عنوان بازیگر جدید عرصه روابط بین‌الملل، مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای، ۵ (۲۰)، ۱۸۲-۱۶۳.

۶. ضرغام پور بویراحمدی، امیرمحمد، بیگدلی راد، وحید، خطیبی، محمدرضا. (۱۴۰۰). تدوین مدل توسعه دیپلماسی شهری با توجه به ظرفیت‌های جهانی‌سازی (نمونه موردی: شهر تهران). فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۱ (۳)، ۵۳۴-۵۲۰.

۷. فرجی، امین، بابایی، حمیدرضا، راشدی، اسداله. (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل دیپلماسی شهری و توسعه در فضای جریان‌ها با مطالعه شهر تهران. توسعه پایدار شهری، ۲(۲)، ۲۹-۴۴.

۸. قورچی، مرتضی، رضویان، محمدتقی، دستواره، فرشته. (۱۴۰۱). دیپلماسی شهری و جایگاه قانونی آن در مقیاس حکومت‌های محلی. مطالعات محیط انسان‌ساخت، ۱ (۲)، ۷۱-۵۱.

منابع لاتین

1. Acuto, Michele (2013), Global Cities, Governance and Diplomacy, New York: Routledge.
2. Chan, D. K.-H. (2016). City diplomacy and “glocal” governance: revitalizing cosmopolitan democracy, Innovation. The European Journal of Social Science Research, 29, 134-1۶۰.
3. Daroudi, M. R & Peimani, N. (2013). Assessing Urban Diplomacy Approach on Foreign Investors in Tehran Using Network Analysis Process - SWOT Analysis, Middle-East Journal of Scientific Research ۱۵ (۵): ۷۱۵–۷۲۲.
4. Pluijm, R (2007), “City diplomacy: the expanding role of cities in international politics”, Netherlands institute of international relations, Clingendael.